

بررسی آراء و اندیشه‌های فقهی امام خمینی پیرامون هنر اسلامی

مریم دادمندیان^۱، رضا عباسپور^۲*

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی گناباد

۲. استادیار و عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی گناباد (نویسنده مسئول)

M_dadmadian@yahoo.com

چکیده

امروزه مقوله هنر، از مقولاتی است که با نظام حساسیت‌ها، تمایلات مردم و اجتماع رابطه کاملاً محسوسی را ایفا کرده و در حقیقت جهت‌دهی فرهنگی در بسیاری از ابعاد معیشت فردی و اجتماعی آنان، ناشی از القائات مقوله‌ی هنر می‌باشد. هنر اسلامی نیز یکی از چشمگیرترین و درخشان‌ترین جریان‌های تاریخ هنر است که توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه پردازان فرهنگ و هنر را به خود جلب کرده است. بررسی‌های بعمل آمده حاکی از آنست که امام خمینی معتقدند که نه تنها میان اسلام و هنر تعارضی نیست که اسلام منهای هنر و زیبایی، اسلام ناقص است. این دیدگاه با نظریات استاد مطهری همخوانی دارد. همچنین ایشان نگاه متحجرانه به مقولات و پدیده‌های هنری ندارند که بطور کلی آنها را رد و تعطیل نمایند بلکه با توجه به دخالت و عنصر زمان و مکان، مقتضیات و مصالح استفاده از این دو وسیله را برای تبلیغ دین بسیار مؤثر می‌دانند اما شرط اساسی این نقش مؤثر را، مطابقت با اصول اعتقادی دینی و اخلاقیات انسانی قرار می‌دهند. روش این پژوهش به صورت توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای می‌باشد. گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای بوده است و اطلاعات مورد نیاز از طریق فیش‌برداری گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، هنر، هنر اسلامی

۱- مقدمه

هنر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسان‌ها داشته است و نقش محوری در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. در این میان دین به عنوان اصیل‌ترین و پرنفوذترین منبع فکری و معنوی، با بیان و بسط آموزه‌ها، تعالیم، آیین‌ها و مناسک خود، بیشترین تاثیر را بر فرهنگ و هنر جوامع برجای گذاشته است. با ظهور اسلام، تمدن جدیدی شکل گرفت و فرهنگ اسلامی در جوامعی که کلام وحی در آن‌ها طنین انداز شد، به سرعت گسترش یافت. این تحول در عرصه هنر نیز ظاهر شد و آثار هنری جدیدی خلق شد که به دلیل تمایز چشمگیر خود با دیگر آثار هنری، هنر اسلامی نام گرفت. بی تردید پدیده شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور انقلاب اسلامی ایران به عنوان اعجاز بزرگ قرآن و عترت در قرن بیستم، تحولات و دگرگونی‌هایی در عرصه حیات فردی و شئون زندگی اجتماعی ملت ایران و دیگر ملت‌های دنیا پدید آورد و تغییرات عمیقی در انواع رشته‌های علوم و معارف بشری به دنبال داشت که یکی از آنها تحول جوهری هنر و انقلاب ماهیت آن، و ولادت هنر اسلامی در آغوش انقلاب اسلامی است. از

آنجا که این دگرگونی ماهوی، همچون تحول در دیگر عرصه ها، به دست توانای امام عظیم الشان در عصر حاضر تحقق یافت، تبیین آن نیز جز در پرتو کلمات آن بزرگوار میسر نخواهد بود.

۲- تعاریف

۱-۲- هنر:

هنردر لغت به معنی؛ استعداد، لیاقت، کاردانی و فضیلت است. در فرهنگ عرفانی، عرفا هنر را به حسن وزیبایی تعبیر می کنند. و آن را موهبت الهی و درجه ای از کمال می دانند و با عنایت به قرآن کریم^۱ خداوند را دوست دار زیبایی می خوانند. با توجه به رابطه‌ی منطقی که بین هنر و اثر هنری موجود است، می توان گفت؛ هنر اشاعه‌ی احساس است، چون هنرمند راستین، هم عاطفه را فرا می نماید و هم آن را برمی انگیزد. هنر تجلی خارجی اندیشه ها و احساساتی نیرومند است که انسان آن ها را تجربه می کند و به کمک علائم خطها، رنگ ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات بیان می دارد (تولستوی، ۱۳۵۶، ص ۵۳).

آنچه امروز به معنای هنر مطرح است، هنر به معنی خاص (به هم پیوستن و ساختن) است که با ابداع سروکار پیدا می کند. اما هنر به معنی عام صورت هایی از تخیل است که منتهی به کمال می شود و عرفان و معرفت در زمره ی آن قرار می گیرد به همین منظور هنر اشاره ی نهانی به نوعی کشف و شهود از صور گوناگون هستی است که در قالب تجربه ای احساسی و عرفانی در کلام، تصویر، موسیقی یا معماری جلوه گر می شود از این رو شاعر، نقاش، موسیقیدان و معمار، هنرمندند و آن چه هنرمند با چشم دل می بیند و در درون خود بدان رسیده، هنر اوست چون آثار هنری از عاطفه و احساس هنرمندان سرچشمه می گیرد و با احساس و عاطفه ی مخاطبان قابل در یافت است.

کسی که با ابزارهای استدلالی و عقلانی به تشریح و تبیین آثار هنری می پردازد، درست وضعیت کسی را دارد که می خواهد مباحث و فعالیت های عقلی را با احساس خود توضیح دهد (شپرد، ۱۳۷۵، ص ۷۶).

هنر که به نوعی رسیدن به حقیقت است، دارای ابعاد زیبایی شناسی است. بر این اساس حقیقت هنر اسلامی که با ساحت ابداع وجود انسانی به پیدایی می آید، همان وحدت است. پس هنر دینی برای هنرمند واسطه ی تقرب به حق است و مخاطب را نیز متذکر می کند، پس هنرمند دینی متعهد است تا مردم را به حق و حقیقت دعوت کند و این علت غایی هنر دینی است.

۲-۲- هنر اسلامی

هنر اسلامی و ام‌دار رموزی نهفته در ماهیت اسلام است، تمدن اسلامی نمونه‌ی اعلا‌ی تمدن سنتی است که در آن می توان به وضوح قواعد لایتغیر مشخصی را مشاهده کرد که بر کل تمدن چه در زمان هنر در اسلام انعکاس روح در عالم ماده. «چه در مکان سیطره داشته است و لازمه ی درک معنای آن وقوف بر این است که این هنر جلوه‌ای از وحی اسلامی و تجلی حقایق الهی در مرتبه ی تجسم مادی است (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹). هنر اسلامی متکی بر حقایقی بنیادی است که طیفی از واژگان سامان یافته در کنار یکدیگر، آن را بیان می کنند و در مرکز این واژگان توحید الهی قرار دارد. این واژگان عبارتند از؛ توحید الهی، وحدت، کثرت، نظم، علم و زیبایی و در مجموعه‌ی این واژگان وحدت در جایگاه خاصی قرار دارد تا توحید الهی را معنا بخشد. از نظر اسلام، هنر الهی پیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می یابد، جمال بالنفسه حاوی همه این جهات است و استنتاج وحدت از جمال عالم، عین حکمت است؛ بدین جهت تفکر اسلامی میان هنر و حکمت ضرورتاً پیوندی می بیند (بورکهارت، ۱۳۶۹، ص ۱۲).

۱. «و صور کم فاحسن صور کم». (مومن: ۶۴).

۲-۳- ماهیت هنر اسلامی

افلاطون در باب ماهیت هنر به چند ویژگی اشاره می کند از جمله : فطری بودن منشا هنر و زیبایی در انسان ، ماهیت زیبایی هنر ، تقلیدی بودن هنر و فضیلت روح به عنوان غایت هنر مطلوب. هنر تجسم رمزی رازها و زیبایی های طبیعت و جهان غیب است (خامنه ای، ۱۳۷۸، ص ۳۸). هنر اسلامی نوعی مکاشفه از صورت های گوناگون خلقت است تا بعد حقیقی این جلوه های هستی را در قالب های گوناگون هنری نظیر : کلام ، موسیقی، تصویر ، معماری و... نشان دهد و حیات فردی و اجتماعی انسانی را متعالی سازد و او را به کمال بشری نایل ساخته و به غربت او از قرب الهی پایان یخشد (رهنورد، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

پس هنر اسلامی چون در جهت اتصال به وحدت الهی است ، حرکتی از کثرت به وحدت است و این امر جوهر هنر اسلامی است . دامنه ی این هنر از جهان پیش از تولد تا قیامت را در بر دارد. و هنرمند مسلمان در این پهنای گسترده آزادانه و به دلخواه به انتخاب و بیان این مضامین و جلوه ها می پردازند. قلمرو هنر اسلامی جهان عظیم هستی است از غیب تا شهادت و از روح تا طبیعت... در هنر مقدس که صرفاً تجریدی است ، تمامی پدیده ها به صورت کد های زیبایی شناختی یا جهان نمادهای اسلیمی و گره و تذهیب ظاهر شده و اغلب کاربرد مذهبی نیز دارد و در مساجد ، حرم ها، جلد کتاب ها و سایر موارد به کار گرفته می شود (رهنورد، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

۳- امام خمینی و هنر اسلامی

گستره بحث دامنه مباحث و شاخه های مربوط به هنر ، بسی گسترده است. از نویسندگی ، شعر ، قصه ، طنز ، نقاشی ، موسیقی ، خطابه و سخنوری گرفته ، تا وادی فیلم و سینما و تئاتر و برنامه های هنری رادیو و تلویزیون و کاریکاتور ، نمایشنامه ها و فیلم های عروسکی و کارتون کودکان و طراحی و گرافیک و خوشنویسی و آهنگ و آواز و ... را شامل می شود.

هنر، مهمترین و بایسته ترین ابزار برای انتقال مفاهیم است و یک هنرمند متعهد به خوبی می تواند پیام خود را به صورت دقیق و رسا به مخاطبانش انتقال دهد. بدین سبب معمار کبیر انقلاب اسلامی، بر هنری صحنه می گذارد که در مسیر انتقال ارزش های الهی گام بردارد "تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی، اسلام ائمه هدی، اسلام فقرای دردمند، اسلام پایرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ شرم آور محرومیت ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمای هداری مدرن و کمونیسم خو ناشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه اسلام آمر کیایی باشد". رهنمود امام خمینی (ره) در این زمینه بسیار گویاست و به درستی بیان کرده است که در جامعه اسلامی، هنرمند باید مبانی فکری اش مبانی الهی و مفاهیم اسلامی باشد و اثرش منطبق بر موازین اسلامی، و هرگونه انحراف در مسایل هنری به هر شکلی پذیرفتنی نیست.

برای تحلیل دیدگاه های امام خمینی (ره) در مورد احکام موسیقی، بازیگری و نمایش، عکاسی، نقاشی، مجسمه سازی، نویسندگی ، شعر و قصه باید به این نکته توجه داشت که ایشان به عنوان ولی فقیه در دو فضای متفاوت قبل و بعد از انقلاب به اجتهاد و استنباط احکام شرعی پرداخته اند. ایشان پیش از انقلاب از منظر فقه حکومتی و اقتضات کشورداری با احکامی همچون مسئله موسیقی و کارکردهای آن در نظام اسلامی مواجه نمی شدند؛ بر خلاف دوران بعد از انقلاب که مسئله حکومت و اقتضات آن مطرح شد. بدیهی است فتاوی سابق ایشان در دوران پس از انقلاب و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، نمی توانست ملاک عمل قرار گیرد و چه بسا به انقلاب اسلامی شدیداً لطمه می زد و حتی ممکن بود پیاده شدن احکام اسلام را مورد تهدید قرار دهد. خوشبختانه پس از ورود عمیق امام (ره) در مسائل حکومتی، ایشان با فراست فقیهانه خویش، لزوم تغییر در برخی از آرای فقهی از جمله غنا و موسیقی را احساس کردند. عمده نظریات ایشان در باب احکام هنری از جمله غنا و موسیقی، در سال های قبل از انقلاب و در کتاب های مکاسب محرمة و تحریر الوسيله بیان شده است. نظریاتی که امام خمینی (ره)، پس از انقلاب و پس از ورود عمیق در مسائل حکومتی، در مورد هنر بیان داشته اند، بیشتر در رساله استفتائات و توضیح المسائل،

همچنین در صحیفه امام و احیاناً در گزارش هایی است که برخی از نزدیکان و خویشاوندان ایشان در این مورد بیان داشته اند. در ادامه به بیان برخی از آرای ایشان در این زمینه پرداخته می شود.

۳-۱- غناء و موسیقی

هرچند فتاویهای جدید و دیدگاههای نوین امام راحل در باره موسیقی و استفاده از آن در رسانه ها و صدا و سیما، چنان باز و تحول آفرین بود، که عدهای برنتافتند و حتی به طعنه و طنز، می گفتند که امام، موسیقی را حلال کرده است، اما در عین حال، از دید امام، نباید موسیقی به عنوان یک اصل تلقی شود و مایه دل مشغولی مردم و جوانان گردد و به جای کار و تلاش و جدیت، به گوش دادن به موسیقی آن هم در حد اعتیاد روی آورند و از عناصری پرتحرک و سازنده و جدی، به افرادی لاقید و بی خیال، که صرفاً در پی لذت جوییهای حیوانی و خوش بودنهای غافلانه و کیف کردنهای مخدر و غفلت زا باشند. در این قسمت، بحث فقهی نمی کنیم و آراء و دیدگاههای فقهی و فتاویهای امام مورد نظر نیست، بلکه زاویه دید امام در مورد موسیقی پیش از انقلاب و پس از انقلاب و آنچه در رسانه های کشور استفاده می شود مورد بررسی است. امام امت، به بعد تخذیری موسیقی و اعتیاد به آن اشاره می کند و می فرماید از جمله چیزهایی که باز، مغزهای جوان ها را مخدر می کند و تخذیری است، موسیقی است. موسیقی اسباب این می شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می شود به یک مغزی غیر آن کسی که جدی باشد، از جدیت انسان را بیرون می کند و متوجه می کند به جهات دیگر (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۹۷). یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف کند پای موسیقی و اکثر اوقاتش را صرف کند در اینکه پای موسیقی بنشیند و اینها، از مسایل زندگی و از مسایل جدی بکلی غافل می شود، عادت می کند همان طور که به مواد مخدره عادت می کند ... فکر انسان را موسیقی جویری می کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلش فکرش را بکند (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۹۸). قضیه موسیقی یک مطلبی است که خوب طبع جوان به آن توجه دارد. اگر یک مدتی این عادت کرد که موسیقی را باز کند و گوش کند، مغز این از تفکر در امور جدی باز می ماند، می رود دنبال همین قضیه (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۸). یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند ... و عادت به این کرد، این مغز مریض می شود، این نمی تواند فکر این بکند که کشورش به چه حال دارد می گذرد، چه می گذرد در آن، دیگر دنبال این نیست، مثل یک آدم هروئینی می ماند (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۱۵۵). جالب است که امام، روی جهات انسانی و نیروهای خلاق جوانان و بعد جدیت و آراءده جوان تاکید دارد و مهمترین زیان آن را غافل ساختن از هدف های برتر و بازداشتن از تفکر و اندیشه می داند. فتاوی امام خمینی (ره) در باب موسیقی، در فضای بعد از انقلاب، از جمله فتاوی راهگشای ایشان بود که راه ادامه فعالیت بسیاری از هنرمندان کشور را گشود. امام خمینی (ره) درباره سرودهایی که پس از انقلاب از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش می شد، فرموده اند: این جور سرودهایی که مهیج است و سرودهایی که مفید است، اشکالی ندارد؛ سرود آقای مطهری (موسیقی که به مناسبت شهادت شهید مطهری ساخته شد) اشکالی ندارد (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۴۴۰). در سال ۱۳۶۷، امام خمینی (ره) در پاسخ استفتایی که درباره خرید و فروش آلات موسیقی (به قصد استفادهی مشروع، از قبیل نواختن سرود) و بازی شطرنج (اگر آلات قمار بودنش را از دست داده باشد) از ایشان به عمل آمده بود، چنین فتوا دادند: (در مورد آلات موسیقی)، خرید و فروش آلات مشترکه اشکال ندارد... (و در بازی شطرنج)، بر فرض مذکور، اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۲۱، ص ۱۲).

از مطالعه رساله‌ی استفتانات امام خمینی (ره)، که مجموعه ای از فتاوی ایشان در پاسخ به سؤالات شرعی مردم در ابواب مختلف فقه و به خصوص در مسائل مستحدثه می باشد و در سال های پس از انقلاب به چاپ رسیده، آشکار می شود که ایشان در پاسخ به سؤال های مختلفی که در مورد موسیقی و غنا از ایشان به عمل آمده، یک قاعده کلی را بیان فرموده اند که: شنیدن و نواختن موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد و خرید و فروش آلات مختص به لهو، جایز نیست و در آلات مشترکه اشکال ندارد و مرجع تشخیص عرف می باشد (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۸ - ۱۱). این در حالی است که نظرات

ایشان در زمینه موسیقی، در فضای قبل از انقلاب، هما نگونه که در بخش اول برخی از آن‌ها بیان شد، به طور کلی متفاوت از این آراست.

۳-۲- بازیگری و نمایش

امام خمینی(ره) به همان طریقی که به دنبال پیاده کردن اسلام ناب محمدی بودند، سعی داشتند که فرهنگ و هنر ایران زمین نیز به موازات اخلاق، معنویت و پاکی پیش برود و در جهت هدایت و اصلاح اخلاق جامعه مفید فایده واقع شود و از ورطه خودباختگی و ابتذال نجات یابد. و اصالت و هویت ایرانی اسلامی بودن خود را حفظ کند. چنین دیدگاهی، نیازمند نگاه بسیار ژرف و عمیق به مقوله مهم و ضروری هنر است، و آن حضرت با چنین نگاهی به حفظ ارزشهای اخلاقی در محتوای هنر و فرهنگ تأکید می‌کردند. چراکه نگاه سطحی و بیرونی به هنر، خصوصاً هنر فرهنگ‌ساز و انسان‌سازی، چون تئاتر آن را در خدمت معنویت، کمال و تعالی نمی‌یابد، و از ارزشهای آن در بین مردم می‌کاهد و تأکید امام نیز به حفظ جایگاه هنر در بین مردم بوده است که این چنین با چشم‌اندازی وسیع و حتی جهانی به آن مانند دیگر ارزشهای معنوی نگاه می‌کردند و هنری را والا و مفید می‌دانستند که همراه با تعهد و معنویت و اخلاق باشد. مخالفت با ابتذال، تجددگراییهای بی‌اساس و خودباختگی فرهنگی در حقیقت دغدغه‌های فکری امام(ره) بوده است که این مسئله در مورد هنرهای مختلف از جمله تئاتر، موسیقی و سینما نیز مصداق داشته است. امام(ره) با بودن و حضور این هنرها در جامعه و رسانه‌ها موافق و با ابتذال آنها مخالف بوده‌اند. چراکه بی‌تردید چنین چشم‌انداز روشن و ژرفی وجود هنرها در جامعه را ضروری و لازم می‌داند. از این رو این نوع نگرش به مسئله هنر در جامعه در حقیقت پیش‌زمینه‌ای مناسب برای رشد و بالندگی هنرهای مختلف در چهارچوب و ضوابط منطقی که همراه با حفظ ارزشهای اخلاقی باشد شد. و نیز بستری را مهیا نمود که موجب شد، بسیاری از هنرمندان متعهد با حفظ موازین معنوی و اخلاقی پای به عرصه فعالیت بگذارند و تئاتر و سینما را که به لحاظ کیفی سطحی و بعضاً مبتذل بودند در یک مسیر روشن، و مطابق با معیارها و آرمانهای امام خمینی(ره) پیش ببرند و موجب شکوفایی آنها شوند. در رژیم سابق تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر، محتوایش عوض شده بود. یعنی کسی که نام سینما را می‌شنید خیال می‌کرد که آنجا باید مرکز فساد و سوءاخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد، و یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتذلی بود، که از آن بهره فساد برده شود، هکذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوانها و حتی پیرها و روشنفکرانها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این‌طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق و زبانمان را نیز از آنها یاد بگیریم، ... عده‌ای هم به نام فرهنگ ایران باستان از اسلام فرار می‌کردند... و این همه به خاطر این بود که ما فرهنگ خودمان را فراموش کنیم(امام خمینی، ۱۳۱۳، جلد ۱۸، ص ۲۱۶ و ۲۱۵).

امام خمینی(ره) در پی تعالی و کمال هنر به خصوص تئاتر و سینما بودند تا آن را از ورطه ابتذال و خودباختگی گذشته نجات دهند. جایگاه تئاتر و سینما را در بین مردم و به‌طور کلی در جامعه تعالی بخشند، و آن را عاری از بی‌بندباری بیابند. هرچند که رسیدن به چنین هنری در هر مقطع از زمان در جامعه سخت می‌نماید اما غیر ممکن نیز نبود. این نوع نگاه به تئاتر و سینما حکایت از اندیشه‌ای بسیار والا دارد و حتی می‌توان گفت اندیشه‌ای کاملاً هنرمندانه و دلسوزانه که نه با هنر مخالف است و نه با محتوای آن؛ بلکه با موافق رشد و تعالی هنر است هنری بتواند انسان‌ساز و فرهنگ‌ساز باشد و در خدمت خلق قرار بگیرد و با فرهنگ اصیل ایرانی نیز آمیخته باشد. نکته‌ای دیگر حائز اهمیت است و از طرفی در بیانات امام(ره) نیز دیده می‌شود. جست‌وجو و تلاش برای دست‌یابی و استقلال فرهنگی است، فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی که از وجود رنگ بوی عناصر فرهنگهای مبتذل و بیگانه بری باشد. لذا می‌بینیم که امام(ره) همه اقشار ملت اعم از جوانان و پیران را به بیداری و روشن‌بینی برای حفظ استقلال فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی ترغیب و تشویق می‌کردند. و این همه نشانه هدایت و رهبری به سوی رشد و کمال است. لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی - اسلامی باشد زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد نیازمند صرف مدت‌ها وقت است. و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند و هنر آنها هم که

عبارت بود از چیزهای مبتذل، جز این نبود که افراد و جوانان ما را در دانشگاهها و خارج و داخل طوری تربیت کنند که همه را منحرف سازد (امام خمینی، ۱۳۶۴، جلد ۱۸، ص ۲۱۷).

از نگاه امام (ره) هنر صرفاً برای نشان دادن یا خودنمایی نیست، خصوصاً هنرهای نمایشی (تئاتر و سینما) بلکه در خدمت ترویج یک اندیشه و فکر باید باشد و نیز تربیت و تعلیم اندیشه‌های اسلامی و اخلاقی. بنابراین زدودن ابتذال و سطحی‌نگری در امر هنر وظیفه‌ی خطیر هنرمند است برای رسیدن به آرمان اندیشه‌های آن رهبر بزرگوار. و نیز برای رسیدن به هنری ناب و متعهد و ایرانی، که با اخلاق، منش و فرهنگ ایرانی آمیخته باشد. لذا به فرموده‌ی امام (ره) ساختن و رسیدن به چنین هنری زحمت فراوان دارد و نیازمند صرف وقت و زمان بسیار. و این بر هنرمندان این مرز و بوم است که با چنین تفکری پای در راه آرمانهای امام (ره) بگذارند. و در پی هنری ناب و ایرانی - اسلامی باشند. تئاترهايشان، نمايشنامه‌هايشان، اين‌ها را بايد خيلي مواظب باشيد که مبتذل نباشد. گاهی سازنده است، واقعاً خوب است، غالباً من از این تئاترهایی که در ایران، خودشان تهیه می‌کنند، به نظرم می‌آید خوب است (امام خمینی، ۱۳۶۴، جلد ۱۸، ص ۲۹۰).

۳-۳- نویسنده‌گی

قلم، فکر و اندیشه‌ی نویسندگان باید در جهت اصلاح اخلاق جامعه قرار بگیرد، زیرا نوشتن برای مردم و برای جامعه‌ای که مخاطب قرار می‌گیرد اگر به بیراهه برود، جامعه را نیز از صراط مستقیم منحرف می‌کند، این همان نکته‌ای است که امام (ره) روی آن تأکید می‌کند و معتقد است که قلم نویسنده، باید پاک باشد و پاک بنویسد، تا مردم را پاک کند و اصلاح اخلاق جامعه را سرلوحه‌ی مسئولیتش قرار دهد. یک قلم می‌نویسد درحالی‌که هزاران نفر آن را می‌خوانند، لذا مسئولیت نویسندگان از نظر امام (ره) بسیار خطیر و سنگین است، چراکه مخاطب آنها جامعه است. پس به آنچه قرار است نوشته شود باید اندیشید، و می‌بایست قداست و حرمت قلم و جامعه‌ای را که با اخلاق و معنویت و جهان‌بینی اسلامی گره خورده را حفظ کرد.

اما قلم‌های شما یک قلم‌هایی است که چنانچه لغزش بکند، گاهی یک ملت را لغزش می‌دهد. رادیو تلویزیون یک دستگاهی است که چنانچه فاسد از کار در بیاید، یک ملت را فاسد می‌کند... قلم‌های شما اگر خدای نخواستہ لغزش بکند و آن تعهدی که برای خدای تبارک و تعالی باید داشته باشید، غفلت از آن بکنید، این جور نیست که به خود شما ضرر بزند، به خود شما، عائله شما، دوستان شما، ملت‌های شما و کسانی که هم مذهب شما و هم دین شما هستند، به همه ضرر می‌زند. پس یک ضرر مضاعف است؛ مثل یک ضرر کوچک نیست... شما [نویسندگان] چنانچه - خدای نخواستہ - توجه به این مسائل نکنید، یک مسئولیت بسیار خطیر دارید پیش مردم، پیش ملت‌های دنیا و بزرگ‌تر اینکه پیش خدا مسئولیت دارید... و اگر شما این قلمی که دستتان هست قلم ارشادی باشد، می‌توانید که یک ملت را به راه راست هدایت کنید و می‌توانید که مردم را از انحرافات نجات بدهید... آن کسی که می‌گوید من می‌خواهم مردم را ارشاد کنم، از قلمش انسان می‌فهمد که مسئله، مسئله، مسئله ارشاد است یا مسئله، مسئله چیزهای دیگر است (امام خمینی، ۱۳۶۴، جلد ۱۴، ص ۳۹۷، ۳۹۸).

از نگاه حضرت امام خمینی (ره) قلم، باید در جهت هدایت مردم و ترویج اخلاق و معنویت قرار بگیرد. و ماحصل قلم و قلم‌فرسایی خواه با نمایشنامه باشد یا هر نوع متن دیگر می‌بایست آمیزه‌ای از تعهد، اخلاق، و هنر اسلامی باشد. زیرا مخاطبش، جامعه‌ای است اخلاقی. که در عین ارتباط با اثر خلق شده تحت تأثیر نیز قرار می‌گیرد. لذا قلم و اثر خلق شده توسط قلم، تأثیرگذار است و نیز در تاریخ نیز خواهد ماند و حتی آیندگان نیز به آن رجوع خواهند کرد. بنابراین از دید امام (ره) این تعهد و مسئولیت بسیار خطیر و سنگینی است بر گردن هنرمندان و نویسندگان که آنچه را که خلق می‌کنند را در راستای هدایت مردم و تأثیرگذاری مثبت بر مخاطبان قلمداد کنند، تا در جامعه‌ای که بر مبنای اخلاقیات و معنویت پایه‌گذاری شده مفید فایده واقع شود. این نوع نگرش به هنر و این نوع نگاه به نویسنده و قلم حاصل اندیشه‌ای ژرف و فکری بسیار روشن است که آن حضرت بر اساس آن مسائل حساس را تجزیه و تحلیل می‌نمودند و سعی داشتند که تمامی مسائل تأثیرگذار در جامعه، خصوصاً هنر را با جهان‌بینی اسلامی درهم بیامیزند تا هنرمندان پای در راه معنویت و هدایت جامعه به سوی رستگاری قرار دهند و این

آرامی بود بسیار بزرگ که رسیدن به آن مستلزم زحمت فراوان بوده است و نیز نیازمند، وجود هنرمندانی متعهد و صاحب دیدگاه (امام خمینی، ۱۳۶۴، جلد ۱۱، ص ۲۲۱، ۲۲۰).

۳-۴- نقاشی، مجسمه‌سازی

تاریخ پیدایش مجسمه‌سازی و نقاشی تقریباً مقارن با تاریخ پیدایش بشر است. اما این هنر به دلیل پیشینه نادرست آن و بهره گرفتن در بتکده‌ها مورد بی‌مهری فقها واقع شده است. قرآن کریم در ضمن بیان سرگذشت اقوام و ملل و سنت‌های رایج آنان به تمثال‌ها و تندیس‌های آنان حتی با ذکر نام پرداخته و بیان داشته انگیزه اصلی پیکرتراشی، مجسمه‌سازی و تصویرگری، بت‌پرستی بوده است. در تاریخ زندگی پیامبران همواره مبارزه با بت‌پرستی مشهود بوده است. در مدارک تاریخی نیز به نمونه‌هایی از مجسمه‌سازی و تصویرگری با هدف طلسم و جادو اشاره شده است. به عبارت دیگر این ذوق و فریحه هنری گرچه از فطرت زیباجویی انسان سرچشمه گرفته اما همواره مورد بهره برداری‌های سوء و ناروا واقع شده است. صورتگری و نقاشی در مضامین روایات به گونه‌های مختلفی است. ساختن مجسمه و کشیدن شکل درخت جایز شمرده شده است و نماز خواندن با انگشتری که شکل جانداران یا پرنده بر آن نقاشی شده یا لباسی که مصور به تصاویر و تمثال باشد باطل اعلام شده است (شیخ طوسی، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ص ۸۳). فقهای معاصر مانند امام خمینی و آیه الله خویی و آقای سید احمد خوانساری و شیخ جواد تبریزی حکم به حرمت مجسمه‌سازی حیوانات را از باب قدر متقین از ادله و اخبار استفاده کرده‌اند و نسبت به اجماع تعبیرشان این است که در این مورد ادعای اجماع یا حکایت اجماع شده است. آیه الله سیستانی نظرشان چنین است: ساختن مجسمه جاندار مطلقاً بنا بر احتیاط حرام است ولی خرید و فروش آن اشکال ندارد. گرچه احوط ترک آن است، اما نقاشی جاندار بنا به اقوی جایز است. ساختن مجسمه یا عروسک و یا ترسیم نقاشی‌هایی که محرک بوده و موجب مفسده و تحریک گردد - چنانچه در بازار امروز کم نیستند - هیچ توجیه عقلایی و شرعی برای جواز آن نیست و به عنوان مقدمه حرام است. این قید و شرط برای تمامی هنرهای شناخته شده در عصر امروز قابل صدق و تطبیق است و اگر هنری با تمام انواع آن، متعهد و در مسیر کمال بخشیدن به انسان باشد البته جایز و ارزشمند است. امام می‌فرماید: آنچه به نظر ما قویتر می‌آید حرام بودن ساختن مجسمه جانداران است (امام خمینی، ۱۳۱۳، ج ۱، ص ۴۹۶). و آیه الله خویی می‌نویسد: در حرمت و ساخت مجسمه حیوانات بین علمای ما اختلافی نیست بلکه ادعای اجماع بر آن شده است (خوئی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

گونه‌گونی دیدگاه‌ها در مقوله‌های هنر در فقه بسیار مشهود است چنانچه در موسیقی تا هیجده نظریه برشمرده‌اند. این نظریات امروزه جنبه کاربردی پیدا کرده است و تقابل نظریات به تقابل اعمال و رفتار مقلدین انجامیده است. و جامعه امروز این اندازه اختلاف را بر نمی‌تابد و باید هرچه بیشتر دیدگاه‌ها و راه‌کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، اما نزدیک به واقعیت موجود، ارائه گردد تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش‌آید و از تقابل و تضارب عملکردها، مانعی بر راه ترقی حکومت اسلامی فراهم نیاید. مثلاً نمی‌توان بطور کلی رسانه‌های عمومی، بازیگری و تصویرسازی را تعطیل کرد و یا برای آن قیودی دست‌نایافتنی زد، از طرف دیگر بازگزاردن دست هنرمندان و فراخی بی حد و مرز هنر سرانجام هنر را به ورطه ابتذال یا پوچی خواهد کشاند. پس رأیی بایسته و مناسب با مقتضیات زمان و مکان و مطابق شرع از سوی مجتهد آگاه، هنر را متعهد و مسئول نگه می‌دارد.

در پژوهش حاضر پس از ذکر مباحث مربوط به هنر و هنر اسلامی به بررسی اندیشه و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره هر کدام از جلوه‌های هنر اسلامی (موسیقی، بازیگری و نمایش، عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، نویسندگی، شعر، قصه) پرداخته شده است. با توجه به نظرات امام خمینی (ره) پیرامون جلوه‌های هنر اسلامی و ضمن مقایسه دیدگاه‌های ایشان با دیگر اندیشمندان و فقها، نتیجه‌گیری‌های کلی زیر استنباط می‌گردد.

۱) امام خمینی(ره) نگاه متحجرانه به مقولات و پدیده های هنری ندارند که بطور کلی آنها را رد و تعطیل نمایند بلکه با توجه به دخالت و عنصر زمان و مکان و مقتضیات و مصالح استفاده از این دو وسیله را برای تبلیغ دین بسیار مؤثر می دانند اما شرط اساسی این نقش مؤثر را، مطابقت با اصول اعتقادی دینی و اخلاقیات انسانی قرار می دهند.

۲) امام خمینی(ره) معتقدند که نه تنها میان اسلام و هنر تعارضی نیست که اسلام منهای هنر و زیبایی، اسلام ناقص است. این دیدگاه با نظریات استاد مطهری همخوانی دارد. به نظر استاد مطهری گرایش آدمی به هنر نیازمند علتی خارج از وجود وی نیست بلکه حس زیبایی شناسی در انسان وجود دارد و نیازمند تعلیم و تربیت است تا به ظهور برسد. از دیدگاه علامه جعفری به عنوان فیلسوف هنر اسلامی معاصر آنچه که با نظر به هدف و فلسفه زندگی انسانها از دیدگاه اسلامی بر می آید این عقیده است: هنر برای انسان در حیات معقول. دیگر اندیشمندان نظرات متفاوت و گاه متناقضی با دیدگاه امام(ره) دارند. از دیدگاه شریعتی اگر چه درباره هنر مدح و ثنا شده است اما با رجوع به مبانی پیدایش هنر نزد شریعتی تناقضی عجیب مشاهده می شود. نگاه شریعتی به هنر نگاهی ایدئولوژیک است. هنر برای شریعتی وسیله ای است برای مبارزه و هنر برای هنر بی معناست. از دیگر سو به اعتقاد سنت گرایان که نماینده آنان دکتر نصر است هنر اسلامی ریشه در باطن شریعت یعنی طریقت اسلامی دارد. نظریه نصر مبتنی بر دلایل محکم قرآنی و حدیثی نیست بلکه نظریه ای فلسفی و صاحبان این نظریه غالباً اندیشمندان سنت گرای غربی هستند.

ماحصل این گفتار اینست که امام خمینی(ره) به عنوان ولی فقیه در دو فضای متفاوت قبل و بعد از انقلاب به اجتهاد و استنباط احکام شرعی پرداخته اند. ایشان پیش از انقلاب از منظر فقه حکومتی و اقتضائات کشورداری با احکامی همچون مسئله موسیقی و کارکردهای آن در نظام اسلامی مواجه نمی شدند؛ بر خلاف دوران بعد از انقلاب که مسئله حکومت و اقتضائات آن مطرح شد. بدیهی است فتاوی سابق ایشان در دوران پس از انقلاب و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، نمی توانست ملاک عمل قرار گیرد و چه بسا به انقلاب اسلامی شدیداً لطمه می زد و حتی ممکن بود پیاده شدن احکام اسلام را مورد تهدید قرار دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، شیخ مرتضی، (۱۲۱۱ ق)، مکاسب محرمة. قم: نشر دارالعلم.
۳. بورکهارت، تیتوس، (۱۳۹۲)، «هنر مقدس»، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
۴. تولستوی، لئو، (۱۳۷۲)، «هنرچیست»، ترجمه کاوه دهگان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. جیمز دورانت، ویلیام، (۱۳۹۳)، «تاریخ تمدن»، مترجمان: ابوطالب صارمی ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری، نشر: علمی و فرهنگی
۶. خامنه ای، محمد؛ (۱۳۸۰)، «روح هنر اسلامی»، مجموعه مقالات رازو رمز هنردینی، تهران: نشر سروش.
۷. خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۳۷۴)، «مصباح الفقاهه فی المعاملات: المكاسب المحرمة»، قم: نشر موسسه احیاء آثار امام خویی.
۸. رهنورد، زهرا؛ (۱۳۹۳)، «حکمت هنر اسلامی»، تهران: نشر سمت.
۹. شپرد، آن، (۱۳۹۲)، «مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین»، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن (شیخ طوسی)، (۱۳۳۱ قمری)، «المبسوط»، جلد ۱، تهران: مکتبه مرتضویه،
۱۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۱۳ قمری)، «تحریر الوسیله»، مترجم محمدباقر موسوی همدانی. قم: نشر دارالعلم.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۴)، «صحیفه نور»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۳. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۴)، «صحیفه امام»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۱۴. نصر، سیدحسین (۱۳۸۰). «معرفت و معنویت»، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۱۵. نصر، سیدحسین (۱۳۷۵). «معنویت و هنر اسلامی»، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حوزه هنری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating of Imam Khomeini's thoughts in Islamic art

Reza Abbaspour¹, Maryam Dadmandian³

1, Department of Jurisprudence ,Faculty of Theology, Islamic Azad University of Gonabad

3- Msc. Islamic Law & Jurisprudence, Islamic Azad University of Gonabad

M_dadmandian@yahoo.com

Abstract

Nowadays, the art, has played a very tangible relationship with the public interest and community. In fact, art has an important role in nurturing the faith and Heart beliefs of the people. Islamic art is also one of the most dramatic and the most brilliant of the history of art which has attracted the attention of many researchers and theorists of culture and art. Undoubtedly, amazing and wonderful phenomenon of Islamic Revolution in Iran, led to various changes in social and individual life and dignity of the Iranian nation and other nations of the world. And was followed profound changes in various fields of science and human knowledge that one of them is Art substantial transformation and emergence of Islamic art. Since of these changes, such as developments in other areas, was carried out by Imam, it would be impossible to explain it except in the light of his words. Hence, this study examines the ideas and thoughts of Imam Khomeini about Islamic art. The main questions will be answered, What visions and perceptions of Imam Khomeini are about aspects of Islamic art (music, acting and theater, photography, painting, sculpture, writing, poetry, story).

Keywords: Ideas and opinions, Imam Khomeini, Islamic art

